

پژوهشگران اقتصادی پیشنهاد می‌دهند

برای کارتابیل ۸ مرداد آقای پزشکیان

۷ پیشنهاد برای سیاست‌های پولی و ارزی دولت



مجید شاکری
پژوهشگر در زمینه مالیه حکمرانی

طی حدود یک ماه اخیر کارشناسان پیشنهاددهای مختلفی در حوزه های اقتصادی به رئیس جمهور منتخب ارائه داده‌اند. در ادامه، نگارنده به طور مختصر هفت محور برای اصلاحات اقتصادی به دولت چهاردهم پیشنهاد می‌دهم.

۱- دولت چهاردهم تلاش دولت قبل برای به نتیجه رساندن سامانه جامع مودیان را در حوزه سیاست‌های مالیاتی قدر بداند. بهتر است حالا که یک فصل از فعالیت این سامانه گذ‌شته، این فعالیت در دوران دولت چهاردهم نیز تداوم پیدا کند.

۲۳ پیشنهاد اقتصادی برای دولت چهاردهم



وحید شفاق‌شهری
اقتصاددان

در کنار شرایط رکود تورمی عمیق که طی دهه ۹۰ و سال‌های اخیر به‌وقوع پیوسته (تورم ۲۷ درصدی با رشدی اقتصادی کمتر از یک درصدی دهه ۹۰ و تورم ۴۰ درصدی سال‌های اخیر)، انباشت و تشدید ناترازی‌های اقتصاد کلان به دلیل تعلل در اجرای اصلاحات ساختاری و نهادی بالاخص در بخش‌های بانکی، آب و فرونشستت زمین، صندوق‌های بازنشستگی، انرژی (نفت، گاز و بنزین) و برق در کنار تهدیدات و ایرچالش‌های مخرب همچون کاهش رشد جمعیت و سالمندی رو به تزاید، افزایش ادراک فساد مالی و اقتصادی در کنار تنزل سرمایه‌های اجتماعی، تنگنای منابع مالی و تشدید فرسودگی زیرساخت‌های اقتصاد، افزایش طبقات فقیر جامعه و کاهش مداوم اندازه طبقه متوسط و بالاخره گذار جهان از وابستگی به سوخت‌های فسیلی و روری آوردن به انرژی‌های نو و تجدیدپذیر، بر شدت و دامنه پیچیدگی‌های اداره و حکمرانی اقتصاد ایران در سال‌های پیش‌روی دهه ۱۴۰۰ افزوده است. لذا براساس شرایط جهانی و منطقه‌ای و احتمال تشدید تحریم‌های اقتصادی، فرسودگی ساختاری و نهادی، ناترازی‌های اقتصاد کلان رو به تزاید، افزایش پیوسته مهاجرت سرمایه‌های انسانی و تنزل سرمایه اجتماعی، کار دولت چهاردهم بسیار سخت است.

با توجه به شرایط کنونی و تحلیل اوضاع پیش‌رو، توصیه‌های اقتصادی زیر را به دولت دکتر پزشکیان دارم:

۱- پیاده‌سازی حکمرانی مطلوب اقتصادی مبتنی بر خرد جمعی، تن دادن ارکان دولت به خردورزی و عقابنتی حداکثری، مشورت پیوسته با اهل خرد و اندیشه در دایره وسیع آن و دوری‌گزیدن از تنگ نظری‌ها و پدیده شوم رو به گسترش عدم صداقت و چاپلوسی، تقویت پاسخگویی و انتخاب و به‌کارگیری شایسته‌ترین مدیران، اولین مساله کلیدی برای پیشرفت اقتصادی است.

۲- از دهه ۸۰ تاکنون، چندین استراتژی توسعه صنعتی در کشور تدوین و در دولت‌های مختلف تصویب شده است، با این حال هر دولت برسرکار آمده، این اسناد تغییر کرده و به مرحله اجرایی نرسیده است. لذا اولین



ما به واقع بینی نیاز داریم



پیمان مولوی
کارشناس اقتصادی

اگر بخواهم بگویم اقتصاد ایران به چه چیزی نیاز دارد، اقتصاد ایران نیازمند سه اقدام اساسی است. اگر این اقدامات دیر یا زود انجام نشود، تبعات آن مثل فرونشست زمین در آینده خودنمایی خواهد کرد. متأسفانه فرونشست زمین را می‌بینیم، اما فرونشست اقتصاد را نمی‌بینیم، این فرآیند آغاز شده اما به جای قابل مشاهده‌ای خواهد رسید. نکته اول این است که شما نمی‌توانید با تورم، رشد اقتصادی ایجاد کنید. نکته دوم اینکه شما نمی‌توانید با رتبه آزادی اقتصاد ۱۶۰ درآمد سرانه کشور را افزایش دهید. نکته سوم این است که شما نمی‌توانید با رتبه اعتباری بین‌المللی تریپل سی ۷ از ۷ سرمایه خود را حفظ و سرمایه‌گذار خارجی جذب کنید. تا زمانی که این سه مورد حل نشود، توسعه امری شبیه به شوخی است و اگر بتوانیم داشته‌های خود را حفظ کنیم، هنر کردیم، رشد اقتصادی ایران به واسطه برقراری تحریم در دهه ۹۰ به طور متوسط بین صفر تا یک درصد بوده است. کسی که می‌گوید کلید حل مشکلات داخلی است، دارد آدرس غلط می‌دهد. هزینه مقابله با تحریم برای مردم این بوده که درآمد سرانه هر ایرانی از ۶هزار۵۰۰ دلار به ۴ هزارو۵۰۰ دلار رسیده است. جهان به دنبال توسعه است. هیچ کشوری بدون اقتصاد قوی به امنیت پایدار نرسیده است.

۲- با توجه به شرایط حاکم بر سیاست‌های پولی، احتمالاً دولت چهاردهم ناچار خواهد شد سیاست کنترل ترازنامه را ادامه دهد؛ در این صورت موضوع بند پیشران و گذاشتن یک سهم برای رشد اعتبارات برای برنامه توسعه صنعتی یا هر برنامه فعال دیگری توصیه می‌شود.

۳- ضرورت دارد دولت چهاردهم آیین‌نامه اعتبار سرمایه در گردش را متناسب با نیاز صنعت تغییر دهد و با مسائل مالیاتی مرتبط کند تا جیره‌بندی اعتباری که اکنون انجام شده -دست کم- بیشتر به تولید کمک کند.

۴- نکته ضروری دیگر این است که جوانه‌هایی که در حوزه متنوع‌سازی مبادی واردات کالاهای اساسی در اواخر دوره شهید رئیسی انجام شد، پاس داشته شود و تداوم و گسترش پیدا کند. آن چیزی که من را بیش

چالش بخش خصوصی کشور، نبود یک استراتژی توسعه صنعتی هم‌راستا با تحولات انقلاب سوم و چهارم در کشور است. داشتن یک استراتژی توسعه صنعتی هم‌راستا با تحولات انقلاب صنعتی سوم و چهارم در کشور

یک اقدام ضروری است. ۳- تاکنون سند راهبردی برای توسعه تعاونی به‌طوری‌که حداقل سهم ۲۵ درصدی مدنظر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را محقق سازد، ندیده‌ام و سهم این بخش نیز ناچیز و زیر ۴-۵ درصد است. البته در بند «ب» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در راهبردهای توسعه بخش تعاونی اشاره شده بود که طی این مدت آنچنانکه باید و شاید اجرایی نشد و این بخش همچنان نقش بسیار ضعیفی در اقتصاد ایران دارد. تدوین و اجرای سند راهبردی برای توسعه بخش تعاونی اقدام ضروری بعدی است.

۴- چالش بعدی ساختار انحصاری صنعت در کشور است به‌طوری‌که بیش از ۶۰ درصد اقتصاد ایران در چتر شبه‌دولتی‌ها و حدود ۲۰ درصد اقتصاد ایران اسیر انحصارات است. لذا ساختار اقتصادی و صنعتی متکی به شبه‌دولتی‌ها و انحصارات، ساختاری ذی‌نفعانه و بیمارگونه است که امکان هرگونه رقابت و بهبودی و شایسته‌سالاری را سلب کرده است. براین اساس، انحصارزدایی و شبه‌دولت‌زدایی (تعیین تکلیف معضل حضور و گسترش شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد ایران) و حذف رفتارهای ذی‌نفعانه در بخش صنعت، اولویت اقتصادی دیگر دولت است.

۵- چالش دیگر، ضعف شدید بنگاه‌های مقیاس بزرگ و نیز عدم وجود حلقه اتصال بین بنگاه‌های بزرگ با بنگاه‌های خرد و متوسط است که امکان جهش تولید را سلب کرده است. ۶- چالش بعدی، محیط اقتصاد کلان نامطلوب ایران است. تحریم‌ها و نااطمینانی‌های اقتصادی، پیش‌بینی‌ناپذیری، ضعف حقوق مالکیت، فساد و محیط ذی‌نفعانه و نامناسب کسب‌وکار موجب شده است ایجاد و رونق بنگاه‌های تولیدی سلب شود که باید برای تقویت محیط اقتصاد کلان اقدام عاجل صورت گیرد. لذا ثبات بخشی و بهبود محیط اقتصاد کلان بالاخص سهولت کسب‌وکار، اولویت دیگری برای اقتصاد ایران است.

۷- سردرگمی و عدم مدیریت یکپارچه در بخش‌های صنعتی بالاخص بخش افراد تصویر منفی در ذهن جامعه به جای مانده است. برای مثال بعضا افرادی هستند که در دوران ریاست جمهوری روحانی پست و سمت داشتند. این مورد کار را سخت می‌کند. شکاف موجود شاید اعتماد و جرات لازم را نهد.

تقویت سرمایه اجتماعی؛ قدم اول اصلاحات



سیدمقداد ضیاع‌تبار
پژوهشگر اقتصاد

۱- نکته اول من یک نگرانی نسبت به کابینه رئیس‌جمهور منتخب و دوقطبی ایجادشده در جامعه است. بعد از انتخاب مسعود پزشکیان، حدس می‌زدم این دوقطبی تشدید خواهد شد. در این شرایط زمانی که ما با لیست بلندبالایی از مسائل مواجه هستیم و باید به سراغ حل تک‌تک آنها برویم، اولین و مهم‌ترین پیش‌نیاز، اجماع نظر نسبی میان نیروهای مختلف، به ویژه نیروهایی است که دارای تریبون و مخاطب یا در دستگاه‌های حاکمیتی هستند و توان اعمال فشار یا نظر دارند. این موضوع باید از سمت مردم نیز وجود داشته باشد. افرادی که مخاطب و تریبون دارند، ممکن است به‌گونه‌ای ذهن مردم و مخاطبان عادی را شکل بدهند که اعتماد کافی از سوی مردم به دولت برای ایجاد اصلاحات وجود ندارد. در چنین شرایطی دولت می‌ترسد و دیگر جرات انجام اصلاحات را ندارد. نمونه قابل‌تأمل آن عدم اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در دولت شهید رئیسی است. بر این اساس تقویت تریبون دست‌نخورده باقی ماند. در شرایطی است که همه می‌دانیم ناترازی انرژی جدی بود و باید راه‌حلی را در این زمینه دنبال می‌کردیم، اما شاید یکی از مهم‌ترین مسائل، ترس از واکنش‌های اجتماعی بود. اینکه ما توانیم مردم را برای انجام اصلاحات همراه کنیم یک نگرانی مهم است. تشکیلاتی که دکتر پزشکیان برای تعیین کابینه خود چید، نگرانی من را بیشتر کرد. هم به صورت ضمنی در صحبت‌های وی شنیده می‌شد و هم خودمان به صورت شهودی متوجه نگاه خاص افراد می‌شویم. حتی از برخی از این

از هرچیز دیگری نگران می‌کند این است که بزرگ‌ترین واردکننده کالای اساسی، مستقیماً در شورای راهبری دولت چهاردهم یک نماینده دارد و این موضوع چهاردهم را تهدید می‌کند جوانه‌های اندک خواهد شد.

۵- دولت چهاردهم باید به هر ترتیبی سهم درهم را کم کند. این موضوع مستلزم ایجاد تغییراتی در حوزه تجارت خارجی در اقلام اصلی، کالاهای اساسی، قطعات خودرو، موبایل و… است. فرصت کمی برای ایجاد تغییر در این حوزه داریم. این تغییرات اجزای اصلی کمربند ایمنی ما در برابر تغییر دست‌فرمان در واشنگتن خواهند بود.

۶- نهضت ملی مسکن متوقف شود. این نهضت از ابتدا برمیانی یک منطق غلط بنیان‌گذاری شد و عملاً با توجه به تغییرات سمت راست ترازنامه بانک مرکزی، این نهضت عملاً به جایی نمی‌رسد و به

پرتوشیمی موجب از دست رفتن بازارهای هدف شده و خواهد شد که به‌عنوان یک چالش مهم باید به‌صورت عاجل چاره‌اندیشی شود. ۸- چالش کلیدی دیگر، تنگنای منابع مالی برای توسعه بنگاه‌های تولیدی کشور است. علی‌رغم تأکیدات برخی اقتصاددانان به عدم‌کارایی سیاست‌های پولی اقباضی در کنترل نرخ تورم در میان‌مدت و بلندمدت، بانک مرکزی بدون توجه به سیاست‌های مالی و بخش واقعی، همچنان اصرار داشت با ابزار سیاست‌های پولی اقباضی در کنار تثبیت ارز، به مهار تورم بپردازد. لذا اثرات مخرب این دو سیاست درحال روشن شدن به‌طوری‌که بازار سرمایه کاملاً از کار افتاده است و خالص حاشیه سود بنگاه‌های تولیدی بازار سرمایه ۲۴ درصد ۱۴۰۱ به زیر ۱۴ درصد ۱۴۰۲ افت کرده است و بخش خصوصی و تولیدی نیز به دلیل سیاست‌های شدید اقباضی پولی و عدم دسترسی به منابع بانکی در شرایط بسیار بدی قرار دارند و رکود سهمگینی بر اقتصاد حاکم شده است. اصرار بر روش نادرست بانک مرکزی موجب شده

به دلیل اختلاف ۵۰ درصدی نرخ ارز نیمایی و بازار آزاد، بانک‌ها تسهیلات را به شرکت‌های زیرمجموعه خود هدایت کنند و این شرکت‌ها نیز برای برخورداری از رانت ارز در صف واردات قرار بگیرند و طرح توسعه‌ای از کانال تسهیلات نظام بانکی طی دو سال اخیر اتفاق نمی‌افتد. لذا اقتصاد ایران در شرایط قفل‌شدگی قرار دارد و رکود سهمگینی هم حاکم شده است. لذا حل چالش تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی و جلوگیری از بنگاه‌داری بانک‌ها و حل تناقض بین رقابت منفی بین بخش خصوصی با نظام بنگاه‌داری بانکی در موضوع تأمین مالی از کانال بانک‌ها می‌تواند راهگشا باشد.

۹- مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی و مالی به‌صورت شفاف و از سطوح بالا و اعلام فاسدان به مردم جهت تقویت اعتماد ملی و سرمایه‌های اجتماعی ۱۰- برنامه‌ریزی درجهت حکمرانی اقتصادی بر پایه اصول و مولفه‌های رقابت‌پذیری، اقتصاد بازار و غیردستوری، توسعه بخش خصوصی و تعاونی، حذف انحصارات و اقتصاد راننی و غارتی.

۱۱- دوری‌گزیدن از نگرش روزمرگی و بی‌ثباتی دولت نسبت به مسائل کلیدی -ناترازی‌های اقتصاد کلان- و لزوم اتخاذ تصمیمات سخت و برنامه‌ریزی فوری درجهت اصلاح ناترازی‌های اقتصاد کلان (با محوریت تأمین مالی و



پانید رحیمی
خبرنگار گروه اقتصاد

امروز حکم رئیس‌جمهور دولت چهاردهم توسط رهبر انقلاب اسلامی تنفیذ خواهد شد. سه‌شنبه ۹ مرداد نیز مراسم تحلیفه مسعود پزشکیان در مجلس شورای اسلامی برگزار شود. فرهیختگان به همین منظور سراغ کارشناسان اقتصادی رفته‌است. سوال مشخص از کارشناسان این است که برای چالش‌های فعلی کشور چه پیشنهادهای روی‌زمینی تر، قابل‌اجرا و مطابق با واقعیت دارند؟ مجید شاکری، وحید شفاق‌شهری، سیاب ممی‌پور، پیمان مولوی و سیدمقداد ضیاع‌تبار به این سوال پاسخ داده‌اند.



پیمان مولوی
کارشناس اقتصادی

جز اینکه یک درگیری دائمی مابین بانک‌ها، دولت، اداره امور مالیاتی و مردمی که ثبت نام کردند ایجاد کند، عایدی دیگری ندارد. عملاً دولت چهاردهم باید صرفاً تعهدات خود را در موارد باقی‌مانده که در آن پیش‌پرداخت واریز و پرورنده تکمیل شده را به جا بیاورد. جایگزین پیشنهادی نهضت ملی مسکن، تبدیل زمین‌های داخل و چسبیده به محدوده شهری (متناسب با آمایش) به آورده دولت در صندوق املاک و مستغلات (REIT)؛ مشارکت مدیر بهره‌برداری REIT روی تک پلاک، تاخت‌ونیزت REIT سهم دولت با آپارتمان‌آماده و استفاده از آن برای برنامه اجاره حمایتی است.

۷- باید پذیرفت که کریدور، راه نیست. اساساً جای موضوع مدیریت کریدور ذیل وزارت راه نیست و درک متفاوتی می‌طلبد.

۱۲- اصلاحات سه نظام بازنویع ثروت یعنی نظام بانکی، مالیاتی و نظام یارانه‌ای (توزیع عادلانه یارانه‌های بنهان انرژی) با هدف عدالت بنیانی اقتصاد

۱۳- اصلاحات انگیرژی و نهادی با تقویت مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط با جهش اقتصاد دانش‌بنیان.

۱۴- هماهنگی بین سیاست‌های مالی، پولی و بخش واقعی برای کاهش تدریجی و پایدار تورم.

۱۵- اصلاح سیاست‌های ارزی کشور با تکیه بر تقویت تراز تجاری غیرنفتی، کاهش خروج سرمایه و مداخله هوشمند و با برنامه با هدف کاهش اختلاف دلار نیما و بازار آزاد.

۱۶- طراحی مدل اقتصاد غیرنفتی بر پایه مولفه‌هایی همچون اقتصاد دانش‌بنیان، خدمات با ارزش افزوده بالا، ظرفیت‌های معدنی و ژئواکونومیکی، جمعیت جوان، اقتصاد گردشگری و ورزش.

۱۷- طراحی نظام تأمین مالی رشد اقتصادی پایدار و مستمر برپایه جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، بدهی محوری و مشارکت عمومی - خصوصی.

۱۸- برنامه بازگشت رشد مثبت بخش کشاورزی (در سال‌های اخیر رشد منفی داشته‌است) با بهبود فناوری، سرمایه‌گذاری، خدمات مالی و روش‌های مدرن.

۱۹- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی.

۲۰- طراحی نظام تأمین مالی کارآمد برای توسعه بخش خصوصی برپایه جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، بدهی محوری و مشارکت عمومی - خصوصی

۲۱- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تأکید بر رونق تولید، بخش خصوصی و تعاونی.

۲۲- تلاش برای قرار گرفتن در زنجیره تولید و ارزش اقتصاد جهانی با تعریف جایگاه و نقش فعال و ارزشمند در هندسه نوین اقتصاد و تجارت جهانی.

۲۳- و بالاخره تلاش حداکثری برای حذف تحریم‌های ظالمانه از اقتصاد ایران

و توسعه دیپلماسی اقتصادی در سطح جهانی و منطقه‌ای، آخرین توصیه اقتصادی به دولت چهاردهم است.



پیمان مولوی
کارشناس اقتصادی

اگر بخواهم بگویم اقتصاد ایران به چه چیزی نیاز دارد، اقتصاد

ایران نیازمند سه اقدام اساسی است. اگر این اقدامات دیر یا زود انجام نشود، تبعات آن مثل فرونشست زمین در آینده خودنمایی خواهد کرد. متأسفانه فرونشست زمین را می‌بینیم، اما فرونشست اقتصاد را نمی‌بینیم، این فرآیند آغاز شده اما به جای قابل مشاهده‌ای خواهد رسید. نکته اول این است که شما نمی‌توانید با تورم، رشد اقتصادی ایجاد کنید. نکته دوم اینکه شما نمی‌توانید با رتبه آزادی اقتصاد ۱۶۰ درآمد سرانه کشور را افزایش دهید. نکته سوم این است که شما نمی‌توانید با رتبه اعتباری بین‌المللی تریپل سی ۷ از ۷ سرمایه خود را حفظ و سرمایه‌گذار خارجی جذب کنید. تا زمانی که این سه مورد حل نشود، توسعه امری شبیه به شوخی است و اگر بتوانیم داشته‌های خود را حفظ کنیم، هنر کردیم، رشد اقتصادی ایران به واسطه برقراری تحریم در دهه ۹۰ به طور متوسط بین صفر تا یک درصد بوده است. کسی که می‌گوید کلید حل مشکلات داخلی است، دارد آدرس غلط می‌دهد. هزینه مقابله با تحریم برای مردم این بوده که درآمد سرانه هر ایرانی از ۶هزار۵۰۰ دلار به ۴ هزارو۵۰۰ دلار رسیده است. جهان به دنبال توسعه است. هیچ کشوری بدون اقتصاد قوی به امنیت پایدار نرسیده است.

۲- نکته دوم من یک الزام است. کابینه باید یک زبان و درک مشترک از وظایف خود وجود داشته باشد. اعضای کابینه باید بدانند یک پاژل وجود دارد که از قطعاتی تشکیل شده و این افراد یک بخشی از یک قطعه هستند. این قطعات با داشتن نسبت درستی با باقی قطعات تصویری درست را خواهند ساخت. یک قطعه پاژل نمی‌تواند بگوید برای من اصلا اهمیتی ندارد که سمت و سوری باقی قطعات کجاست و من صرفاً کار خودم را انجام می‌دهم. با نگاه جزیرویی در دنبال کردن اهداف و مأموریت‌ها

این کار خراب می‌شود و پاژل نهایی به درستی حاصل نمی‌شود. برای مثال مسئول مستقیم کنترل و مهار تورم، بانک مرکزی با ابزارهای سیاست پولی است، اما حتماً سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد نقش بسیار جدی در تحقق این امر دارند. وقتی بتوانیم ناترازی مالی دولت را بهبود ببخشیم، قطعاً فضای بازنر و شرایط برای بانک مرکزی در راستای مهار تورم مهیاتر است. در نقطه مقابل، در حوزه رشد اقتصادی و تأمین مالی تولید، قطعه بانک مرکزی نقش دارد. درست است که وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه باید با ابزارهای سیاست‌های مالی سیاست‌گذاری کنند، اما حتماً برنامه‌های بانک مرکزی با ابزارهای جدیدی که معرفی می‌شود و با سیاست جدید هدایت اعتبار می‌تواند هدف وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه را محقق کند. این بخش‌ها باید وظایف خود را در نسبت با یکدیگر ببینند. باید بدانند اگر بانک مرکزی می‌خواهد به هدف خود

افراد تصویر منفی در ذهن جامعه به جای مانده است. برای مثال بعضا افرادی هستند که در دوران ریاست جمهوری روحانی پست و سمت داشتند. این مورد کار را سخت می‌کند. شکاف موجود شاید اعتماد و جرات لازم را نهد.

۲- نکته دوم من یک الزام است. کابینه باید یک زبان و درک مشترک از وظایف خود وجود داشته باشد. اعضای کابینه باید بدانند یک پاژل وجود دارد که از قطعاتی تشکیل شده و این افراد یک بخشی از یک قطعه هستند. این قطعات با داشتن نسبت درستی با باقی قطعات تصویری درست را خواهند ساخت. یک قطعه پاژل نمی‌تواند بگوید برای من اصلا اهمیتی ندارد که سمت و سوری باقی قطعات کجاست و من صرفاً کار خودم را انجام می‌دهم. با نگاه جزیرویی در دنبال کردن اهداف و مأموریت‌ها

این کار خراب می‌شود و پاژل نهایی به درستی حاصل نمی‌شود. برای مثال مسئول مستقیم کنترل و مهار تورم، بانک مرکزی با ابزارهای سیاست پولی است، اما حتماً سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد نقش بسیار جدی در تحقق این امر دارند. وقتی بتوانیم ناترازی مالی دولت را بهبود ببخشیم، قطعاً فضای بازنر و شرایط برای بانک مرکزی در راستای مهار تورم مهیاتر است. در نقطه مقابل، در حوزه رشد اقتصادی و تأمین مالی تولید، قطعه بانک مرکزی نقش دارد. درست است که وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه باید با ابزارهای سیاست‌های مالی سیاست‌گذاری کنند، اما حتماً برنامه‌های بانک مرکزی با ابزارهای جدیدی که معرفی می‌شود و با سیاست جدید هدایت اعتبار می‌تواند هدف وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه را محقق کند. این بخش‌ها باید وظایف خود را در نسبت با یکدیگر ببینند. باید بدانند اگر بانک مرکزی می‌خواهد به هدف خود

۱- اولین پیشنهاد برای حل مسائل و چالش‌های دولت، این است که فضای‌سازی لازم در زمینه‌ای خارج از فضای اقتصاد فراهم شود. من دو فضای‌سازی در بستر سیاست خارجی و سیاست داخلی را پیشنهاد می‌کنم. امروز باید برای حل مسائل اقتصادی، از سیاست وام‌گرفت. مهم است که ما فضای لازم برای اصلاحات در داخل کشور فراهم کنیم و بعد سراغ اصلاحات اقتصادی برویم.

اگر این روند طی نشود مردم مقاومت خود را در قالب تنش‌های اجتماعی یا نااطمینانی‌های ناشی از افزایش نرخ ارز و تورم نشان خواهند داد. برای بهبود سیاست خارجی باید با دنیا تعامل سازنده داشته باشیم. انسجام داخلی،

و چون دیر به‌سمت حل آنها رفته‌ام دیگر صرفاً بعد اقتصادی ندارند؛ مسائل اقتصادی به مسائل اجتماعی، سیاسی و امنیتی تبدیل شده‌اند و برای حل آنها، حتماً نیاز است جمعی از کارشناسان حوزه‌های مختلف پیوست اجتماعی، فرهنگی و امنیتی این اصلاحات را نیز در طرح دیده باشند.

۱- اولین پیشنهاد برای حل مسائل و چالش‌های دولت، این است که فضای‌سازی لازم در زمینه‌ای خارج از فضای اقتصاد فراهم شود. من دو فضای‌سازی در بستر سیاست خارجی و سیاست داخلی را پیشنهاد می‌کنم. امروز باید برای حل مسائل اقتصادی، از سیاست وام‌گرفت. مهم است که ما فضای لازم برای اصلاحات در داخل کشور فراهم کنیم و بعد سراغ اصلاحات اقتصادی برویم. اگر این روند طی نشود مردم مقاومت خود را در قالب تنش‌های اجتماعی یا نااطمینانی‌های ناشی از افزایش نرخ ارز و تورم نشان خواهند داد. برای بهبود سیاست خارجی باید با دنیا تعامل سازنده داشته باشیم. انسجام داخلی،

وفاقی ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی نیز در سیاست داخلی مسائل بسیار مهمی هستند. ۲- اولویت ما باید کنترل تورم باشد. در شرایط تورمی یا حالت‌هایی که نااطمینانی یا عدم قطعیت در اقتصاد کلان بالاست، امکان اصلاح اقتصادی فراهم نیست. اولین اولویت این است که سیاست‌های کنترل تورم را در پیش بگیریم. متولیان و سیاست‌گذارانی که در حوزه تورم مستقیماً درگیر هستند سه نهاد اقتصادی، یعنی بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه‌جه هستند. پیشنهاد من این است که در چیدمان کابینه رئیس بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه باید تیم هماهنگ باشند تا بتوانند سیاست‌های کنترل تورم را در پیش بگیرند. براساس پیشنهاد اول درکنار این سه نهاد، دو وزارتخانه دیگر یعنی وزارت امور خارجه و وزارت کشور برای فضای‌سازی و انسجام ملی و سرمایه اجتماعی هم باید حضور داشته باشند و به بهبود اوضاع اقتصادی کمک کنند.

۱۲- اصلاحات سه نظام بازنویع ثروت یعنی نظام بانکی، مالیاتی و نظام یارانه‌ای (توزیع عادلانه یارانه‌های بنهان انرژی) با هدف عدالت بنیانی اقتصاد

۱۳- اصلاحات انگیرژی و نهادی با تقویت مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط با جهش اقتصاد دانش‌بنیان.